

مبانی فلسفی اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری

نوشته استیفن جی. ای وارد

ترجمه دکتر پیروز ایزدی

این مقاله سه اصل و سه الزام را به عنوان مبانی فلسفی اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری معرفی می‌کند. ادعای اصلی این مقاله آن است که جهانی شدن رسانه‌های خبری مستلزم بازاندیشی ریشه‌ای اصول و معیارهای اخلاق روزنامه‌نگاری از طریق اتخاذ نگرشی جهانی است. مقاله حاضر با بهره‌گیری از رهیافتی قراردادگرا به تبیین این امر می‌پردازد که چرا و چگونه علمای علم اخلاق باید اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری را پی‌ریزی کنند. سپس سه «ادعا» یا «اصل» ارائه می‌شود: اعتبار، نتیجه توجیه‌پذیر و انسانیت. ادعای انسانیت خود با ارائه سه الزام بیشتر بسط داده می‌شود: عمل به عنوان یک کنشگر جهانی؛ خدمت به شهروندان جهان و ارتقای تفاهات غیرمحملی. مقاله حاضر در پایان برخی پیامدهای نگرش جهانی حرفه روزنامه‌نگاری را مورد توجه قرار می‌دهد.

هر جنبشی برای اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری باید کار خود را با مبانی فلسفی روشنی آغاز کند. این مبانی جنبه آزمایشی دارند و قصد این مقاله وضع اصول مطلق و یا طرح ادعایی جزم‌گرایانه مبنی بر این نیست که رهیافت ارائه شده تنها رهیافت ممکن است. قصد این مقاله ارائه پیشنهادهایی منطقی برای برانگیختن مباحثات در این زمینه و تغییر تدریجی دیدگاه ما نسبت به اخلاق روزنامه‌نگاری است. روشن ساختن این که من در این مقاله در دفاع از چه چیزهایی استدلال نمی‌کنم، مهم است. من نمی‌خواهم بگویم که همه روزنامه‌نگاران یا عالمان علم اخلاق امروز این اصول و دستورالعملها را خواهند پذیرفت. من نمی‌گویم که این اصول در همه اشکال گوناگون روزنامه‌نگاری در سراسر جهان وجود دارند. من به بازتفسیر مفاهیم می‌پردازم تا با مسائل جدید رودررو شوم و راهنمای اشکال جدید روزنامه‌نگاری باشم. این ایده‌ها به صورتی تجربی طرح می‌شوند: اجازه دهید ببینیم آیا این اصول چارچوبی فراهم می‌سازند که براساس آن بتوان موضوعات را مورد کنکاش قرار داد و به بررسی نتایج پرداخت.¹

چرا اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری؟

اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری گامی دیگر در مسیر تکاملی اخلاق روزنامه‌نگاری است. اخلاق روزنامه‌نگاری به معنای نگرشها و هنجارهای غالبی که این حرفه را شکل می‌دهند، از دو مرحله عمده گذر کرده است، که می‌توان آن را گذار از روزنامه‌نگاری «جانبدارانه» و فرقه‌گرایانه به نوعی روزنامه‌نگاری توصیف کرد که ادعای ارتباط «بیطرفانه» از جانب مردم را دارد. این که روزنامه‌نگاران جانبدارانه برخورد می‌کنند در دو سوم تاریخ چهارصدساله روزنامه‌نگاری - از قرن هفدهم به بعد - پیش فرضی غالب بود. تنها در اوائل دهه ۱۹۰۰ هنگامی که روزنامه‌های عمده ادعا می‌کردند که گزارشهایی بیطرفانه برای مردم تهیه می‌کنند. ایده‌آل روزنامه‌نگاری عمومی بیطرفانه رواج پیدا کرد تا دهه ۱۹۲۰، این ایده‌آل در قواعد اخلاقی روزنامه‌نگاری ریشه دوآید.

می‌توان سیر تکاملی اخلاق روزنامه‌نگاری را به صورت گسترش تدریجی طبقه‌ای از مردم فرض کرد که تصور می‌رود روزنامه‌نگاری در خدمت آنان باشد، از احزاب سیاسی و طبقات اقتصادی و اجتماعی (مانند طبقه متوسط) گرفته تا عموم مردم. حتی امروزه، ادعای رسانه‌های خبری مبنی بر خدمت به همه مردم، دارای محدودیتهایی است. فرض بر این است که مردم به یک ملت یا منطقه‌ای از یک کشور تعلق دارند. اخلاق جهانی این حوزه را گسترش می‌دهد. مسئولیتها در برابر مخاطبانی خواهد بود که در سراسر جهان پراکنده‌اند.

با این حال، چرا ما باید این گام دیگر را در اخلاق روزنامه‌نگاری برداریم؟ نخست این که اخلاق روزنامه‌نگاری باید صاحب ذهنیتی جهانی شود زیرا که رسانه‌های خبری - و حرفه روزنامه‌نگاری - بیش از پیش در حال جهانی شدن هستند.^۲ واقعیات در این زمینه برای همگان آشکار است. شرکتهای رسانه‌ای به گونه‌ای فزاینده به مؤسساتی جهانی تبدیل می‌شوند. تکنولوژی جدید به سازمانهای خبری این توانایی را می‌بخشد که به گردآوری اطلاعات از سراسر جهان دست بزنند.^۳ گزارشهای خبری از طریق ماهواره یا اینترنت به مردم در سراسر جهان می‌رسد و بر اعمال دولتها، ارتشها، سازمانهای بشردوستانه و گروههای قومی جنگجو تأثیر می‌گذارد. برای مثال، بُرد شبکه‌های الجزیره و سی.ان.ان از جهان عرب یا مردم آمریکا فراتر می‌رود. این تحولات نتایج و پیامدهایی برای اخلاق روزنامه‌نگاری دارند. بُرد جهانی مسئولیتهای جهانی به همراه می‌آورد. گزارشهایی که دارای تأثیرات جهانی هستند باید دقیق، متعادل و دربردارنده دیدگاههای مختلف باشند، چون از دیدگاه گسترده و بین‌المللی مورد قضاوت قرار می‌گیرند.^۴

نیاز به اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری از عواملی جز تحولات تکنولوژیک و تغییر در مالکیت رسانه‌های خبری ناشی می‌شود؛ این نیاز همچنین ناشی از تغییرات در جهانی است که روزنامه‌نگاری در آن زندگی

می‌کند. واقعیتی که در درجه اول اهمیت قرار دارد این است که این جهان وابسته به رسانه‌ها انواع و اقسام مذاهب، سنتها، گروههای قومی، ارزشها و سازمانهای دارای دستورکارهای سیاسی گوناگون را گرد هم آورده است. جهان ما یک دهکده دنج مک لوهانی نیست (مک لوهان، ۱۹۶۵). جهان ما به گونه‌ای که قبلاً هرگز سابقه نداشته است به صورت الکترونیکی از شبکه‌ای از ارتباطات برخوردار شده است. با این همه این شبکه ارتباطات با تصادم فرهنگها همزیستی دارد. در چنین فضایی، نقش رسانه‌های خبری را باید مورد بازنگری قرار داد. مسئولیتهای اخلاقی روزنامه‌نگاری در جهانی شدیداً متکثر که دیگر به لحاظ سیاسی به دو اردوگاه جنگ سرد قابل تقسیم نیست، از چه قرار است؟ یکی از این مسئولیتهای عبارت از گزارش مسائل و رویدادها به گونه‌ای است که منعکس‌کننده نظرات گوناگون در سطح جهان باشد؛ یعنی حرفه روزنامه‌نگاری باید به گروههای مختلف کمک کند تا یکدیگر را بهتر درک کنند.

روزنامه‌نگاری با ذهنیت جهانی همچنین به این دلیل با ارزش است که روزنامه‌نگاری مبتنی بر تعصب و محلی‌گرایی ممکن است در این دنیای جهانی شده و بسیار به هم وابسته، ویرانی به بار آورد. در صورتی که اطلاعات به نحو صحیحی گزارش نشوند، خوانندگان در آمریکای شمالی ممکن است از درک علل خشونت در خاورمیانه یا خشکسالی در آفریقا عاجز بمانند. گزارشهایی که رنگ و بوی میهن‌پرستی افراطی در آنها دیده می‌شود ممکن است ساکنان مناطق دیگر جهان را به عنوان یک تهدید جلوه دهند. در مواقع ناامنی، رسانه‌های خبری میهن‌پرست و تنگ‌نظر ممکن است دیدگاههای رهبرانی را که مردم را به سوی جنگ سوق می‌دهند و یا به دنبال سلب حقوق مدنی اقلیتها هستند، بزرگ‌نمایی کنند. اخلاق جهانی، سدی در برابر نفوذ نابجای ارزشهای محلی و فشارهای اجتماعی بر روزنامه‌نگاری است. افزون بر این، روزنامه‌نگاری با دیدگاهی جهانی برای کمک به شهروندان جهت درک مسائل جهانی نظیر فقر، تخریب محیط‌زیست، نابرابری تکنولوژیک و بی‌ثباتی سیاسی است. این مسائل مستلزم اقدام جهانی هماهنگ و ایجاد نهادهای جهانی جدید است. ارزیابی موفقیت‌آمیز مسائلی که پیش‌روی جهان قرار دارد و آن اقداماتی که ضروری هستند، مستلزم ارائه گزارش از یک دیدگاه بین‌المللی آگاهانه و متنوع است. ما به نگرشی جهانی‌تر در روزنامه‌نگاری نیاز داریم؛ به همان دلیل که در حوزه اخلاق نیز چنین نگرشی ضروری است: اطمینان از این که ما در واکنش به جهان سردرگم‌کننده و متکثر پیرامون، به قوم‌محوری کوتاه‌فکرانه پناه نخواهیم برد. نگرش جهانی به ما اجازه نمی‌دهد که به «دامن اخلاقی تنگ‌نظرانه و کینه‌گرا، بغلیم که مانع از مواجهه با موضوعات عمده می‌شود» (کریسچنز، ۱۹۸۹، ص ۵).

اینکه به شکلی دقیق‌تر می‌توان گفت که اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری عبارت از چیست: الف) کاربرد دیدگاهی بین‌المللی نسبت به پوشش موضوعات و رویدادها و رد تحریف گزارشها از طریق دیدگاههای

تنگ نظرانه متمایل به قوم محوری، میهن پرستی افراطی و تعصب؛ ب) بازتفسیر نقش اخلاقی روزنامه‌نگاری و رسانه‌های خبری در بافت جهانی؛ ج) بازتفسیر اصول و معیارهای موجود روزنامه‌نگاری در چارچوب جهانی؛ و د) در صورت لزوم، ایجاد اصول و معیارهای جدید به عنوان راهنمای ارزشیابی روزنامه‌نگاری جهانی.

علمای علم اخلاق نمی‌توانند بگویند که روزنامه‌نگاران باید دیدگاهی جهانی داشته باشند و به همین امر بسنده کنند. نیاز به نشان دادن این امر داریم که مسئولیتهای جهانی روزنامه‌نگاران در واقع به طور مفصل کدام است؛ وظایف و مسئولیتهایی که انکارناپذیرند. ما باید اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری را بنا سازیم.

مبانی فلسفی

چگونه باید در جست‌وجوی اصول اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری برآمد؟ برخی راههای برخورد با اخلاق از راههای دیگر در جست‌وجوی اصول مفیدتر خواهد بود. من دیدگاهی قراردادگرا از اخلاق را ارائه می‌دهم، آن گونه که نوشتجات راولز (۱۹۹۳، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳) و اسکنلون (۱۹۹۸) نشان می‌دهد. سپس خواهم گفت چرا ایجاد اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری به نظر من مفید است. دیدگاه قراردادگرای من اخلاق را تلاشی برای شناسایی و توجیه اصولی می‌داند که بر اعمال به طور کلی و اعمال در چارچوب حرفه‌ها و حوزه‌های فعالیت حاکم است.^۵ سنجش اخلاقی خرد در عمل اجتماعی است، ایجاد چارچوبهای اخلاقی عادلانه برای راهنمایی تصمیمات از طریق گفت‌وگوی منطقی میان همه طرفهای ذی‌نفع. اصول اخلاقی، محدودیتهای خودساخته انسان پیرامون رفتار اجتماعی است. «درست»، «الزامی» یا «غلط» در هر یک از قلمروهای اجتماعی به وسیله اصولی تعیین می‌شود که چارچوبی منطقی مبتنی بر همکاری را تعریف می‌کنند. یک عمل زمانی درست یا غلط است «که با موضوع توافق بین طرفهای برابر هماهنگ باشد و یا اصول آن را نقض کند.» (داروال، ۲۰۰۳، ص ۱). چارچوب موردنظر می‌تواند اصولی برای کل اخلاقیات، اصول بخشی از اخلاقیات (برای مثال، اصول عدالت) یا اصول یک حرفه باشد. اخلاق، پروژه تکمیل‌ناپذیر ابداع و کاربرد و نقد اصولی بنیادی است که راهنمای تعامل بشری هستند، نقشهای اجتماعی را تعریف و ساختارهای نهادی را توجیه می‌کنند.

این چارچوبها را می‌توان به صورت قراردادهای اجتماعی درک کرد، طرفها به طور صریح یا تلویحی توافق می‌کنند که از مجموعه‌ای از قواعد برای نفع متقابل خود پیروی کنند.^۶ با این حال، محتوای وضع موجود اخلاقی توافقات، چانه‌زنیها و قراردادهای موجود نیست. قراردادها برای این که اخلاقی باشند باید عادلانه بوده و از طریق فرآیندی منصفانه و باز منعقد شده باشند.^۷

اخلاق در هر قلمرویی مجموعه‌ای از اصول مشروع است که باید بر عمل موردنظر حاکم باشند. ما از طریق پرسش درباره این که شرکت‌کنندگان آزاد و برابر در این فرایند در مورد کدام اصول به توافق عقلانی دست می‌یابند - و یا کدام اصول را نمی‌توانند به‌طور منطقی رد کنند - به شناسایی اصول مشروع می‌پردازیم. از نظر قراردادگرایان، وظایف و مسئولیتها، ناشی از قراردادهای عادلانه‌ای هستند که به موجب آنها کنشگران ادعای حق می‌کنند و وظایفی را بر خود و دیگران تحمیل می‌نمایند. وظایف عام مانند وظیفه اجتناب از خشونت توجه‌ناپذیر علیه دیگران در مورد همه افراد بزرگسال مصداق پیدا می‌کند. وظایف خاص هنگامی پدید می‌آیند که ما وارد روابطی خاص با دیگران می‌شویم، مانند توافق برای پایبند ماندن به یک وعده. ما هنگامی که وارد یک حرفه می‌شویم و یا یک نقش اجتماعی را ایفا می‌کنیم - برای مثال، تعهدات والدین نسبت به فرزندانشان - وظایفی خاص را متقبل می‌شویم.

بنابراین، احکام اخلاقی داوریه‌ای ارزش‌یابانه و خطاپذیر درباره منطقی‌ترین اعمال هستند. آنها توصیف واقعیات اخلاقی خاص یا یک نظم اخلاقی خاص نیستند. عینیت در اخلاق توصیف واقعیت از «دیدگاه کل عالم» نیست (داووال، ۲۰۰۳، ص ۲۱۵).^۸ عینیت ارائه بهترین دلایل وجود برای انواع اعمال است. هیچ‌یک از احکام اخلاقی، حقایقی مطلق و تغییرناپذیر نیستند که توسط خصلت اخلاقی ویژه‌ای تشخیص داده شوند. اصول اخلاقی عینی چیزی بیشتر - و یا کمتر - از توافقی بین اذهانی نیستند که از سنجش عقلانی و عمومی در پرتو مقاصد، ارزشها و واقعیات مشترک حاصل می‌آید.

کاربرد قراردادگرایی در روزنامه‌نگاری به معنای آن است که ما اخلاق را مجموعه‌ای از اصول مشروع اما خطاپذیر تلقی می‌کنیم که باید تصمیمات و اعمال دشوار را در قلمروی خاص راهنمایی کنند. مسئولیت‌های روزنامه‌نگاری جهانی یا غیرجهانی از قرارداد فراگیر حرفه روزنامه‌نگاری با مردمی ناشی می‌شود که در خدمت آنهاست. در نقد اخلاق روزنامه‌نگاری، قراردادگرایان این پرسش را مطرح می‌سازند که روزنامه‌نگاران به‌طور صریح یا تلویحی از طریق قرارداد اجتماعی‌شان چه وعده‌ای به مردم می‌دهند. قراردادگرایان می‌پرسند مردم یا بخشی از مردم چه انتظار مشروعی می‌توانند از روزنامه‌نگاری و عرضه‌کنندگان آن - روزنامه‌نگاران، سازمانهای خبری و رسانه‌های خبری در کل - داشته باشند. اصول در صورتی که توسط طرفهای مربوطه در فرآیند اجتماعی روزنامه‌نگاری از طریق فرآیند عادلانه سنجش به رسمیت شناخته شوند، از مشروعیت برخوردارند. عمل یک روزنامه‌نگار یا سازمان خبری در صورتی درست یا غلط است که عملکرد آن تحت آن شرایط موردپذیرش نظامهای قواعد مشروع برای تنظیم رفتار روزنامه‌نگاری باشد یا نباشد. اخلاق روزنامه‌نگاری وظیفه پایان‌ناپذیر ابداع و بازتفسیر چارچوب اخلاقی آن است. به این دلیل که پروژه روزنامه‌نگاری دائم در حال تغییر است.

تفسیر قرارداد اجتماعی روزنامه‌نگاری ممکن است در هر جامعه‌ای متفاوت باشد، اما در همهٔ قراردادها مردم برخی آزادیها و مزایا را به مطبوعات می‌دهند (و یا برای آن تضمین می‌کنند) به انتظار این که روزنامه‌نگاران به شکلی مسئولانه عمل کنند، دامنه‌ای از کارکردها را به انجام رسانند و سودمند باشند.^۹ در برخی از کشورها آزادی مطبوعات به موجب قانون اساسی تحت حمایت قرار گرفته است؛ با این امید که مطبوعات آزاد از ارزشهایی چون آزادیهای فردی، آموزش عمومی، دموکراسی آگاهانه، تنوع دیدگاهها و نظرات و همگرایی اجتماعی حمایت به عمل آورند.^{۱۰} روزنامه‌نگاران از این مزایا با ارائه اطلاعات مستقل و دقیق درباره اقتصاد، محیط‌زیست، بهداشت و آموزش عمومی، وضعیت سیاست، عدالت و نهادهای اجتماعی حمایت می‌کنند. در صورتی که روزنامه‌نگاران از عهده انجام این مسئولیتها برنایند، «توجیه رفتار ویژه با مطبوعات اساساً زیر سؤال می‌رود» (کلایدمن و بوشان، ۱۹۸۷، ص ۱۳۰).

قرارداد روزنامه‌نگاری به معنای نقش اجتماعی ویژه برای رسانه‌های خبری است و این نقش اجتماعی به معنای وظایف خاص به شکل اصول و معیارهاست. من این نقش ویژه را به صورت این نیازمندی تعریف می‌کنم که روزنامه‌نگاران باید به شکل ارتباط‌گرانی بی‌طرف و مستقل برای عموم مردم - و نه برای دولت، حزب حاکم و منافع خاص - عمل کنند. روزنامه‌نگار حرفه‌ای متعهد است با مردم به شیوه‌ای متفاوت، ارتباط و گفت‌وگو داشته باشد. این شیوه با روشهای ارتباطی طرفداران منافع خاص مانند اعضای انجمنها، مقامات دولتی، اعضای گروههای فشار، مسئول روابط عمومی که برای یک محصول خاص تبلیغ می‌کند و یا وکیلی که از موکل خود دفاع می‌کند، متفاوت است. روزنامه‌نگاری حرفه‌ای فعالیت سازمان یافته و به لحاظ اجتماعی شناخته شده برقراری ارتباط با مردم برای مردم از دیدگاه بیطرفانه کالای عمومی است.

اخلاق روزنامه‌نگاری مبتنی بر یک تصمیم شخصی یا ذهنی توسط یک فرد برای اطاعت از برخی قواعد نیست. اخلاق روزنامه‌نگاری باید بازتاب شماری از تعهدات اجتماعی باشد که نمی‌توان از زیر آنها شانه خالی کرد و یا خودسرانه آنها را نفی کرد. این تعهدات مجموعه پیشنهادی قابل قبول برای عنوان اصل روزنامه‌نگاری را محدود می‌کند. نقش اجتماعی روزنامه‌نگاری را نمی‌توان به انتشار داده‌ها یا جنجال‌برانگیزترین خبرها تقلیل داد. وظایف اجتماعی، کوچک انگاشتن روزنامه‌نگاری به عنوان وسیله‌ای برای تبلیغات یا پیشبرد منافع شخصی را ممنوع می‌سازد. مردم دارای این انتظار مشروع هستند که روزنامه‌نگاری به انتشار و تحلیل تا حد امکان واقع‌بینانه مهم‌ترین اطلاعات و نظرات برای یک واحد سیاسی خودگردان پردازد. به‌طور ایده‌آل، روزنامه‌نگاری باید «نوع خاصی از عمل دموکراتیک» باشد (کری، ۲۰۰۰، ص ۲۲).

رهیافت قراردادگرا نسبت به بنای اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری چه توصیه‌هایی دارد؟ یک مزیت آن این است که قراردادگرایی به ما رهیافت انعطاف‌پذیری نسبت به انواع ارزشها در روزنامه‌نگاری می‌بخشد.

قراردادگرایی ایده وسیع چارچوب اخلاقی عادلانه‌ای برای آن نوع روزنامه‌نگاری است که از رهگذر سنجش آزاد طرفهای ذی‌نفع ایجاد می‌شود. قراردادگرایی از پیش، اصول این چارچوب را تعیین نمی‌کند. قراردادگرایی دعوتی آزاد از همه برای آغاز سنجش‌گری درباره اصول حاکم بر مسئولیت‌های جهانی روزنامه‌نگاران است. قراردادگرایی به شکلی کنترل‌ناپذیر به یک ایدئولوژی یا فلسفه وابسته نیست. هیچ‌گونه نتیجه از پیش تعیین شده، هیچ‌گونه تلاشی برای تحمیل نوعی آئین «استعماری» یا اصول مذهبی مطلق وجود ندارد.

یک ایراد احتمالی به قراردادگرایی به عنوان یک «رهیافت» این است که منشأ غربی دارد و در مفهومی تعریف نشده از ماهیت «جهانی» برخوردار نیست. این امر واقعیت دارد که قراردادگرایی دارای سنت، ارزشها و دیدگاههای خاصی است. قراردادگرایی سنجش و بررسی را به صورت علنی و آزاد ارج می‌نهد. همچنین قراردادگرایی اخلاق را عقد قرارداد به صورت عادلانه تصور می‌کند. با این حال، این دیدگاه به اندازه کافی گسترده هست که امکان بحث میان رهیافتهای گوناگون روزنامه‌نگاری را فراهم آورد. هرگونه رهیافتی نسبت به اخلاق جهانی به ناچار باید اندیشه‌های خود را از جایی به عاریت بگیرد. آنچه در اینجا اهمیت اساسی دارد، این نیست که این اندیشه‌ها از کجا آمده‌اند بلکه آن است که آنها ما را به کجا می‌برند. پرسشی که باید مطرح شود این است: آیا این رهیافت برای وظیفه موردنظر نویدبخش است و آیا از تغییر و چالش استقبال می‌کند؟ قراردادگرایی پوششی فراهم می‌کند که طیف وسیعی از روزنامه‌نگاران و عالمان علم اخلاق تحت آن می‌توانند به بحث درباره مسئولیت جهانی روزنامه‌نگاری پردازند. قراردادگرایی می‌تواند به این بحثهای دشوار و بی‌شکل جهت و شکل ببخشد.

قراردادگرایی مزایای دیگری نیز دارد. قراردادگرایی از مردود شناخته‌شدن به واسطه انتظارات غیرواقع‌بینانه مانند این اعتقاد که اخلاق جهانی به توافقی جهانشمول درباره اصول میان روزنامه‌نگاران و عالمان علم اخلاق بستگی دارد، طفره می‌رود. توافق جهانشمول هدف قراردادگرایی نیست. قراردادگرایی امیدوار است به تدوین اصولی پردازد که بتوانند در میان طیف وسیعی از روزنامه‌نگاران، عالمان علم اخلاق و مردم پذیرش عقلانی عام (اما نه جهانشمول) بیابند. یک انتظار غیرواقع‌بینانه دیگر عبارت از این است که پروژه اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری به کشف یک فهرست قطعی از اصول و ارزشهایی بستگی دارد که زیربنای همه قواعد اخلاقی‌اند.^{۱۱} حتی اگر بررسیها به این اصول جهانشمول دست یابند، ما همچنان نیازمند استدلالی هنجاری در این خصوص هستیم که چرا این اصول باید حفظ شوند.

سه ادعا

من با استفاده از این رهیافت قراردادگرا با ارائه سه اصل بنیادی کار بنای اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری را آغاز می‌کنم. هدف من شناسایی اصولی است که از سه ویژگی برخوردار باشند:

الف) بیانگر ویژگیهای مهم قرارداد اجتماعی روزنامه‌نگاری باشند؛ ویژگیهایی که می‌توان آنها را به روزنامه‌نگاری جهانی تعمیم داد؛ ب) به ساماندهی ارزشهای متعدد روزنامه‌نگاری و تبدیل آنها به یک نظام جهانی منسجم کمک کنند؛ و ج) بتوانند به شکلی قابل قبول به عنوان اصولی تلقی شوند که از توانایی پرداختن به موضوعات جهانی روزنامه‌نگاری برخوردارند. من این اصول را «ادعا» می‌خوانم تا بر این امر تأکید کنم که آنها اجزای یک قرارداد اجتماعی را تشکیل می‌دهند. اگر رسانه‌های خبری این اصول را رعایت نکنند، مردم ادعای اخلاقی مشروعی علیه آنها خواهند داشت.

اصل نخست ادعای اعتبار است: همه روزنامه‌نگاران (و سازمانهای خبری) دارای وظیفه اخلاقی جمع‌آوری و تدوین اخبار و تحلیل‌های معتبر با توجه به محدودیتهای گردآوری اخبار هستند.^{۱۲} قضاوت در مورد این که یک روزنامه‌نگار، یک سازمان خبری یا رسانه‌های خبری در کل معتبر هستند، بدین معناست که برای ارائه اطلاعات دقیق و قابل اطمینان می‌توان به آنها اتکا کرد. اعتبار به این معناست که رسانه‌های خبری از بهترین روشهای گردآوری حقایق و راستی آزمایی برای دستیابی به حقیقی‌ترین گزارش ممکن - با توجه به الزامات مربوط به ضیق وقت، دیدگاههای متعارض و اطلاعات ناقص - استفاده کرده‌اند.

اعتبار روزنامه‌نگاری گونه‌ای از اعتبار به شکل عام آن است. اعتبار به حلقه‌ای از اصطلاحات هنجاری - قابل اعتماد، باورپذیر، قابل اتکا - تعلق دارد که در موقعیتهایی به کار برده می‌شوند که مسئله اعتماد در کار باشد. در چنین موقعیتهایی معمولاً یک فرد به شخص یا نهاد دیگری وابستگی پیدا می‌کند. گفتن این که «X معتبر است» به معنای نسبت دادن یک ویژگی به X برای فراهم آوردن اطلاعات باورپذیر تحت شرایط خاص است. بافت معمول برای مباحث، مربوط به اعتبار معرفت شناختی است. پرسشهای مربوط به اعتبار، پرسشهایی درباره شواهد یک ادعای علمی، روشها و تخصص داشتن در یک حرفه و یا دقت شهادت شهود است. اعتبار، یک فضیلت اجتماعی است، چون افراد معتبر انتظارات را برآورده می‌سازند. وضعیت طبیعی عبارت از جهانی است که در آن بی‌اعتمادی حاکم است.^{۱۳} نیاز ما به رسانه‌های معتبر بخشی از نیاز ما به نهادهای معتبر را تشکیل می‌دهد.

ادعای من در ارتباط با اعتبار، در برگیرنده یک ادعای فرعی است، یعنی آنچه که من آن را «اعتبار فعال» می‌خوانم:^{۱۴} مردم از این حق برخوردارند که به‌طور فعالانه ادعای اعتبار رسانه‌های خبری را به‌طور کلی و در مورد گزارشهای خاص مورد آزمایش قرار دهند. مردم را نباید به پذیرش منفعلانه اطمینان‌هایی

محدود کرد که در خصوص اعتبار ارائه می‌شوند. مردم باید توانایی پرسش و انتقاد از روشها را داشته باشند به گونه‌ای که بتوانند به‌طور منطقی به یک گزارش اعتماد پیدا کنند (اونیل، ۲۰۰۲، ص ۶۴). رسانه‌های خبری وظیفه دارند دسترسی عموم به اطلاعات پیرامون روند تهیه گزارش، ماهیت و نوع منابع و نیز تعارض احتمالی منافع را آسان سازند.

اصل دوم، ادعای نتیجه توجیه‌پذیر است که مطابق آن روزنامه‌نگاران باید قادر به توجیه نتایج قابل ملاحظه اعمال خود بنابر قرارداد اجتماعی‌شان باشند. این اصل با انتظارات مردم مبنی بر این‌که روزنامه‌نگاران باید گزارشهای معتبر تهیه کنند، سروکار ندارد بلکه به این مسئله مربوط می‌شود که آنان به دقت زیانهای ناشی از گزارشهای خود را مورد توجه قرار دهند. روزنامه‌نگاران با انتشار گزارشهای نادرست و یا گزارشهایی که بر اثر بزرگ‌نماییها و ایما و اشاره‌ها تحریف شده‌اند سبب وارد آمدن زیانهای توجیه‌ناپذیری می‌شوند. ادعای نتیجه توجیه‌پذیر عبارت از این است که روزنامه‌نگاران اخلاق‌گرا می‌توانند ادعا کنند که اعمالشان به سه طریق می‌تواند قابل توجیه باشد:

الف) نتایج چندان قابل ملاحظه نبوده و یا به لحاظ اخلاقی خنثی (یا مجاز) هستند؛ ب) نتایج برای افراد یا جامعه سودمندند؛ یا، ج) اگر نتایج زیانبار هستند، با توجه به کارکردهای اجتماعی روزنامه‌نگاری گریزناپذیرند.

ادعای نتیجه توجیه‌پذیر، تقاضا برای مسئولیت حرفه‌ای را به رسمیت می‌شناسد. تقریباً هر حرفه‌ای و هرگونه نظام اخلاقی و حقوقی اجتناب از زیان توجیه‌ناپذیر را تعهدی اساسی فرض می‌کند.^{۱۵} تمامی حرفه‌ها به عنوان بخشی از فعالیت عادی خود میزانی از ضرر و زیان به‌بار می‌آورند. اصل اخلاقی پزشکان "Primum non nocere" (اول، آسیب نرسانید) الهام‌بخش به نظر می‌رسد، اما در عمل، پزشکان باید آسیب و ضرر برسانند (برای مثال، قطع پا برای نجات جان بیمار). به همین شکل، روزنامه‌نگاران معمولاً گزارشهایی درباره مقامات فاسد، متخصصان نالایق و محصولات خطرناک منتشر می‌کنند. این گزارشها به برخی اشخاص و گروهها آسیب می‌رسانند. در بسیاری موارد، زیان بسیار بیشتر از منفعت است. در موارد دیگر، عدم انتشار، زیان بزرگتری به‌بار می‌آورد و منجر به سانسور یا قصور در اطلاع‌رسانی به مردم می‌گردد. از این‌رو، ادعای نتیجه توجیه‌پذیر بیانگر آن نیست که روزنامه‌نگاران باید از گزارشهایی که زیان می‌رسانند، اجتناب کنند. در عوض از زیانی صحبت به عمل آورد که توجیه‌پذیر باشد. قوانین روزنامه‌نگاری با اطلاع از این‌که از ضرر و زیان نمی‌توان اجتناب کرد، بر به حداقل رساندن زیان تأکید می‌کنند. برای مثال، ارائه گزارشهای ترحم‌آمیز از خانواده‌هایی که در نتیجه وقوع حادثه‌ای غم‌انگیز داغدار شده‌اند. این‌که آیا یک روزنامه‌نگار زیانی توجیه‌پذیر وارد ساخته تا حدود زیادی به نحوه سازماندهی

گزارش توسط او بستگی دارد. تقریباً، هر گزارشی می‌تواند نتایج توجیه‌پذیر یا توجیه‌ناپذیر داشته باشد. برای مثال، تهیه گزارش درباره یک محاکمه جنایی به شهرت متهم صدمه وارد می‌سازد. این گزارش در صورتی که مبتنی بر واقعیات و بیطرفانه باشد، به لحاظ اخلاقی قابل توجیه است زیرا که نقش روزنامه‌نگاری اطلاع‌رسانی به مردم در زمینه نظام قضایی است. از سوی دیگر، ارائه گزارشی شتابزده و غیردقیق درباره محاکمه توجیه‌پذیر نیست. موضوعات مربوط به ارائه گزارش و نتیجه توجیه‌پذیر در «روزنامه‌نگاری تحقیقاتی» برجسته‌تر است، زیرا تحقیقات، گزارشهایی بسیار آسیب‌رسان تهیه می‌کنند و اغلب از طریق استفاده از روشهای فریب‌دهنده مانند دوربین مخفی تهیه می‌شوند.

اصل سوم، ادعای انسانیت با تعهد بنیادی روزنامه‌نگاران و اولویت بندی آنها سروکار دارد. ادعای انسانیت به قرار زیر است: روزنامه‌نگاران در درجه اول باید به انسانیت و نه بخشهایی از انسانیت متعهد باشند. روزنامه‌نگاران این دین را به گردن دارند که حرفه روزنامه‌نگاری را به شکلی معتبر و توجیه‌پذیر در خدمت خوانندگان بالقوه حوزه عمومی جهانی در آورند. ادعای انسانیت، وفاداری روزنامه‌نگار به مردم شهر و کشور خود را به انسانیت در کل تسری می‌دهد. وفاداری به انسانیت، در صورت بروز تعارض بر سایر وفاداریها برتری پیدا می‌کند.

سردرگمی درباره تعهد اولیه روزنامه‌نگار ممکن است بازتاب سردرگمی درباره نقش اجتماعی روزنامه‌نگاری باشد. در مواقع بروز یک منازعه، روزنامه‌نگاران ممکن است به لحاظ نقش خود به عنوان شهروندانی میهن‌پرست و نیز به عنوان اعضای رسانه‌های خبری دچار سردرگمی شوند. تعهد به انسانیت در همه مراحل با دیگر تعهدات تعارض پیدا نمی‌کند. تعهدات معمولاً در جریان پوشش رویدادهای بین‌المللی، مسائل جهانی و جنگ - یعنی در مواقعی که مردم کشورها با اهداف و ایدئولوژیهای خاص خود با یکدیگر سرجنگ پیدا می‌کنند - آشکار می‌شوند. ادعای انسانیت در میان این سه اصل از همه جنجال‌برانگیزتر و غیرمعمول‌تر است. اعتبار و نتیجه توجیه‌پذیر، به هنجارهای موجود جست‌وجوی حقیقت و به حداقل رساندن زیان مربوط می‌شوند. ادعای انسانیت، جماعت وسیع‌تری از مردم را به روزنامه‌نگاری مرتبط می‌سازد و ادعای محکم‌تری مطرح می‌کند مبنی بر این که روزنامه‌نگاران وظیفه‌ای در قبال خارجیان دارند. پس از بیان اصول، ما به عنوان علمای علم اخلاق می‌توانیم این پرسش را مطرح سازیم: چرا این اصول را باید اصول بنیانی در نظر گرفت؟ به دلیل آن که طرح اصول دیگری نیز به لحاظ نظری امکان‌پذیر است. ما باید به ملاحظات عمل‌گرایانه توجه کنیم. آیا این اصول برای ایجاد اخلاق جهانی مفید هستند؟ برای شروع، این پرسش را مطرح می‌کنیم که آیا این اصول معیارهای مذکور را برآورده می‌سازند: آنها بیانگر

ویژگیهای اصلی قرارداد اجتماعی روزنامه‌نگاری اند؛ آنها به اخلاق روزنامه‌نگاری نظم مفهومی می‌بخشند و از این امکان برخوردارند که به مسائل مربوط به روزنامه‌نگاری جهانی بپردازند.

این سه ادعا یقیناً دربرگیرنده کلی‌ترین و مهمترین ویژگیهای قرارداد اجتماعی روزنامه‌نگاری هستند؛ یعنی قابل اعتماد بودن، تأثیرگذاری و تعهد. به اعتقاد من این ویژگیها به اندازه کافی عام هستند که بتوانند در مورد بسیاری از اشکال روزنامه‌نگاری در میان همه فرهنگها به کار برده شوند. آیا می‌توان شکلی مسئولانه از روزنامه‌نگاری را تصور کرد که این هنجارهای اساسی را برآورده نسازد؟ از دیدگاه قراردادگرا، این اصول مشروع هستند زیرا به نظر می‌رسد بیانگر انتظارات بنیادی مردم از رسانه‌های خبری باشند. این احتمال وجود دارد که بسیاری از مردم در بسیاری از نقاط جهان بر این امر توافق داشته باشند که رسانه‌های خبری باید گزارشهای دقیق و صحیح ارائه دهند، رسانه‌های خبری باید تأثیر کار خود را مورد توجه قرار دهند و روزنامه‌نگاران باید تعهد خود را به منافع عمومی که محدوده آن بسیار بزرگتر از منافع شخصی‌شان است، ابراز دارند. این سه اصل بیانگر بنیادهای یک قرارداد اجتماعی قابل قبول برای روزنامه‌نگاری جهانی هستند. به دلیل آن که این اصول ویژگیهای اساسی قرارداد اجتماعی را در سطح بالایی از کلیت دربرمی‌گیرند، پذیرفتنی است که استدلال کنیم آنها راه زیادی را برای تحقق معیار دوم طی کرده‌اند: آنها می‌توانند به عنوان اصول سازمان‌دهنده اخلاق جهانی عمل کنند. یکی از مشکلات ایجاد اخلاق جهانی، مجموعه سردرگم‌کننده ارزشها همراه با قوانین، انجمنها و کتابهای درسی است. در اینجا نوعی صرفه‌جویی در مفاهیم لازم است. برای این منظور، می‌توان اصول و معیارهای عمده روزنامه‌نگاری را گونه‌های سه اصل پیشنهادی من و یا به مثابه اصولی فرعی که در زیر مجموعه این سه اصل قرار می‌گیرند، تصور کرد. تحت اصل اعتبار، می‌توان اصول فرعی حقیقت‌جویی و استقلال را قرار داد - که اصولی عمده در بسیاری از قوانین اخلاقی به‌شمار می‌روند. در زیرمجموعه حقیقت‌جویی معیارهایی نظیر دقت، توازن، کامل بودن حقایق و راستی آزمایشی قرار می‌گیرند. تحت استقلال معیارهایی جای می‌گیرند که مانع تعارض منافع می‌شوند و مستلزم بی‌طرفی و انصاف هستند. اصل نتیجه توجیه‌پذیر اصول فرعی، به حداقل رساندن زیان، تأمین منافع عمومی و احترام به حریم خصوصی را در زیرمجموعه خود دارد. تحت ادعای انسانیت می‌توان اصولی را قرار داد که رسانه‌های خبری را ملزم به خدمت به عموم مردم، حمایت از حقوق مدنی و انسانی، نظارت بر مراجع قدرت و پاسخگویی می‌کند.

این سه اصل، چارچوبی فراهم می‌سازند که براساس آن می‌توان موضوعات جهانی در روزنامه‌نگاری بنا به مقتضیات معیار سوم را کشف کرد. مفاهیم اعتبار و نتیجه توجیه‌پذیر در مقایسه با گزینه‌های دیگری مانند «گزارش حقیقت» از امکان بیشتری برای گرد هم آوردن انواع هنجارها برخوردارند. قرارداد «حقیقت» یا

«ارائه گزارش صرفاً براساس حقیقت» به عنوان یک اصل جهانی بنیانی ما را دچار شکاکیت در خصوص احتمالات حقیقت می‌سازد؛ صرف‌نظر از مباحث فرهنگی و ایدئولوژیک در این مورد که حقیقت از منظر چه کسی باید مفروض گرفته شود. افزون بر این، مفهوم اعتبار می‌تواند امکان آغاز بحث در خصوص روزنامه‌نگاری جهانی را بدون گرفتار آمدن در منازعات بر سر اصولی جنجال‌برانگیز مانند عینیت فراهم سازد. تقاضای ارائه اطلاعات معتبر به مردم به نظر می‌رسد اصلی باشد که مورد تأیید طیف وسیعی از روزنامه‌نگاران، از گزارشگران گرفته تا مفسران و اشکالی از روزنامه‌نگاری قرارداد دارد که بر عینیت صحه نمی‌گذارند. به همین شکل، «نتیجه توجیه‌پذیر» بر نیاز به آگاهی از تأثیرات نوعی روزنامه‌نگاری خاص بدون ایجاد ترس در میان روزنامه‌نگاران - که این امر راه را برای سانسور می‌گشاید - تأکید می‌نهد. این سه اصل در کنار یکدیگر الزاماتی توجیه‌پذیر بر آزادی روزنامه‌نگاران محسوب می‌شوند. نتیجه توجیه‌پذیر، امکان بحث بین سنتهای روزنامه‌نگاری به ویژه آنها که بر آزادی مطبوعات تأکید می‌کنند و آنها که بر مسئولیت اجتماعی پای می‌فشرند، را فراهم می‌آورد.

روزنامه‌نگاری جهانی

این اصول در زمین ناهموار روزنامه‌نگاری جهانی برای ما جای پای فراهم می‌آورند. این جای پا را می‌توان با توجه بیشتر به ادعای انسانیت و افزودن سه الزام که اندیشه دیدگاه جهانی را توضیح می‌دهند، گسترش داد.

ادعای انسانیت در سنت غربی اخلاق جهانی ریشه دارد که همه انسانها را شهروندان جهان به حساب می‌آورد. «جهان وطنی» اهمیت زیادی برای اصول جهانشمول حقوق بشر، آزادی و عدالت قائل می‌شود. ملیت، قومیت، مذهب، طبقه، نژاد یا جنسیت یک فرد (یا گروه) به لحاظ اخلاقی ارتباطی با این که فرد عضوی از جامعه انسانی است و تحت حمایت اصول جهانی قرار دارد، پیدا نمی‌کند. ما پیش زمینه‌های نگرش جهانی را در اندیشه‌های رواقیون عهد عتیق، قوانین مدنی امپراتوری روم و برادری جهانشمول انسان‌گرایی مسیحی می‌یابیم (کالیش، ۱۹۸۵؛ اینوود، ۱۹۸۵؛ ناسام، ۱۹۹۷). در حوزه فلسفه، تفکر کانتی (۱۷۹۵/۱۹۱۷؛ ۱۷۸۵/۱۹۶۴؛ ۱۷۹۷/۱۹۹۱). زمینه‌ساز بخش اعظم جهان وطنی مدرن است. الزام صریح کانت به ما فرمان می‌دهد که اصول ثابت خود را جهانی سازیم و با دیگران به عنوان افراد از نظر اخلاقی برابر رفتار کنیم. نوشتار سیاسی کانت، جهانی را مدنظر قرار می‌دهد که در پی صلح دائمی از طریق فدراسیونی از دولتهای آزاد است که تحت حاکمیت، حقوق بین‌الملل و احترام به انسانیت قرار دارد.^{۱۶} در خارج از حوزه فلسفه، جهان وطنی بر صلیب سرخ، جنبش حقوق بشر، حقوق بین‌الملل و ایجاد سازمان ملل متحد

تأثیر نهاده است (ر. ک به گودمن، ۱۹۹۵). در سالهای اخیر، ناسبام (۱۹۹۷) جهان وطنی را به عنوان پادزهری برای محلی‌گرایی در اخلاق مطرح کرد. الزام جهان وطنی مبنی بر این که تعهد اخلاقی اولیه ما به اجتماع اخلاقی و بدون مرز بشری اغلب مورد سوء تفاهم قرار می‌گیرد. بنابراین مهم است بگوییم که الزام مزبور، به چه معناست و به چه معنا نیست. ادعای انسانیت، آگاهی از یک اصل انتزاعی نیست، بلکه توانایی درک و ارزشگذاری بر انسانیت مشترک ما در موقعیتهای زندگی است. این ادعا، احترام به ظرفیتهای عقلانی و اخلاقی نوع بشر هر زمان و به هر طریقی است که بروز پیدا کند. در برخوردهای ملموس با دیگران است که ما تمایلات، آسیب‌پذیریها و ظرفیتهای مشترک انسانیت و نیز امکان رنج و درد آن را شناسایی می‌کنیم. در جهان تقسیم شده، جهان وطنی بر آن چیزی که بنیادی است - تمایل مشترک به زندگی، آزادی، عدالت و نیکی - تأکید می‌کند.

نگرش جهانی، تنوع فرهنگی را انکار نمی‌کند و یا آن را بی‌ارزش جلوه نمی‌دهد. این نگرش، ادعای مشروع جانبداریها و دلبستگیهای محلی ما را انکار نمی‌کند. فرد جهان وطن دچار این توهم نیست که افراد عشق به خانواده و کشورشان را کنار بگذارند. نگرش جهانی این امر را انکار نمی‌کند که فرهنگها و سنتهای خاص برای زندگی ارزشمند هستند و ممکن است به لحاظ روان‌شناختی برای پیشرفت خصوصیات اخلاقی ضروری باشد. نگرش جهانی به اولویت و محدودیتهای دلبستگیهای ما ارتباط دارد. گفتن این که تعهد اولیه ما به انسانیت است به این معناست که علائق جزئی‌تر در بادی امر باید مورد شناسایی قرار گیرند، اما ممکن است تحت الشعاع علائق کلی‌تر قرار گیرند. ادعای انسانیت بر این امر اذعان دارد که ما به‌طور همزمان در دو اجتماع زندگی می‌کنیم: اجتماع محل تولد ما و اجتماع تمایلات بشری مشترک. این ادعا تنها بر این امر اصرار دارد که در یافتن راه خود بین این دو اجتماع، نباید اجازه دهیم دلبستگیهای محلی بر حقوق و وظایف اساسی بشر غلبه پیدا کند. هنگامی که هیچ تعارضی با اصول بنیادی وجود ندارد، زندگی می‌تواند بنابر اصول جزئی‌تر تداوم یابد.^{۱۷}

ادعای انسانیت به این معنی است که هنگامی که روزنامه‌نگاران معیارها و وظایف روزنامه‌نگاری خود را مدنظر قرار می‌دهند، محل تولد، نژاد یا فرهنگ خوانندگان آنها به لحاظ اخلاقی بی‌ربط است. هنگامی که جانبداری سیاسی با اصول انسانیت تعارض پیدا می‌کنند. روزنامه‌نگاران باید اولویت را به اصول اخیر بدهند. برای تکوین نگرش جهانی در روزنامه‌نگاری می‌توان کار را با تفکر قیاسی آغاز کرد و به بسط و ارتقاء مفاهیم محلی یا ملی به سطح بین‌المللی پرداخت. برای مثال، اعتبار برای جمعیت محلی به اعتبار برای مخاطبان جهانی تبدیل می‌شود. نتیجه توجیه‌پذیر به معنای توجیه‌پذیر گزارشها در آن سوی مرزهای کشور خود است. حتی اندیشه قرارداد اجتماعی روزنامه‌نگاری را می‌توان به صورت جهانی مورد تفسیر قرار داد.

قرارداد اجتماعی روزنامه‌نگاری به قراردادی چند جامعه‌ای با شهروندان در بسیاری از کشورها تبدیل می‌شود. نقش روزنامه‌نگار به عنوان مأمور ویژه روابط عمومی فراملیتی است. ادعای روزنامه‌نگاران مبنی بر ارائه روزنامه‌نگاری معتبر با نتیجه توجیه‌پذیر برای هموطنان خود بلکه برای همه مخاطبان بالقوه است. بار دیگر، باید از سوء تفاهمها اجتناب کرد. نگرش جهانی به این معنا نیست که سازمانهای خبری باید مسائل محلی یا مخاطبان منطقه‌ای را نادیده انگارند و یا این که برنامه‌های کاری سازمانهای خبری بر جذب مشترکان محلی تأکید نوزند. این بدان معنا نیست که هر گزارشی در برگیرنده مسائل جهانی و یا مستلزم نگرش جهانی باشد. آنچه مطرح است توسعه تدریجی نگرشها و معیارهای بنیادی سردبیری است - توسعه دیدگاه روزنامه‌نگاران نسبت به مسئولیت‌هایشان و تفسیر مجدد معیارهای مورد استفاده برای ارزشیابی گزارشها، نگرش جهانی از طریق این تغییر دیدگاه در پی اعمال محدودیت بر دل‌بستگیهای محلی روزنامه‌نگاران در مواقعی است که گزارشها بر شهروندان بسیاری از کشورها تأثیر گذارند. نگرش جهانی از آنان می‌خواهد که اعمال، سیاستها و ارزشهای جامعه خود را از دیدگاهی بیطرفانه‌تر و جهانی‌تر مدنظر قرار دهند.

سه الزام زیر بیانگر اجزای اساسی نگرش جهانی در روزنامه‌نگاری هستند:

عمل به عنوان کنشگران جهانی

روزنامه‌نگاران باید خود را کنشگران حوزه عمومی جهانی تصور کنند. هدف اعمال جمعی آنان ایجاد یک «قلمرو اطلاعاتی» جهانی تساهل، متنوع و آگاه است که تحریفات مستبدین، سوء استفاده از حقوق بشر و دستکاری در اطلاعات توسط منافع خاص را به چالش طلبد.

خدمت به شهروندان جهان

وفاداری اصلی روزنامه‌نگار جهانی به نیازهای اطلاعاتی شهروندان جهان است. روزنامه‌نگاران باید از وابستگی به جناحها، مناطق یا حتی کشورها، دوری کنند. خدمت به مردم به معنای خدمت به افرادی است که در قلمرویی فراتر از خوانندگان یا مخاطبان محلی و یا حتی مردم یک کشور قرار دارند.

ترویج تفاهمات غیر محلی

روزنامه‌نگار جهانی مسائل را در چارچوب کلی‌تری ارائه می‌دهد و از تنوع منابع و دیدگاهها برای ترویج درکی متفاوت از مسائل از منظری بین‌المللی بهره می‌برد. روزنامه‌نگاری باید علیه قوم‌محوری یا میهن‌پرستی تنگ‌نظرانه اقدام کند.

این سه الزام چه معنایی برای معیارهای ویژه روزنامه‌نگاری نظیر عینیت دارند؟ به موجب اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری عینیت به ایده‌آل اطلاع‌رسانی بیطرفانه از منظری بین‌المللی تبدیل می‌شود. عینیت در

روزنامه‌نگاری معمولاً تا حدودی به عنوان وظیفه اجتناب از سوگیری به نفع گروهها در داخل کشور خود درک می‌شود. عینیت جهانی، این مسئولیت اضافی را نیز در بردارد که اجازه سوگیری نسبت به یک کشور یا فرهنگ را در کل به منظور تحریف گزارشها و به ویژه گزارشهای مربوط به مسائل بین‌المللی نمی‌دهد. گزارشهای عینی برای آن که دقیق و متوازن باشند باید دربردارنده منابع بین‌المللی مربوطه و دیدگاههای میان فرهنگی باشند. افزون براین، روزنامه‌نگاری جهانی از روزنامه‌نگاران می‌خواهد که از چگونگی قرارداد گزارشهای عمده در قالب جهانی و تعیین دستور کار خبری بین‌المللی آگاهی حاصل کنند. هدف روزنامه‌نگاری جهانی باید چیزی بیش از کمک به حوزه عمومی برای خوب عمل کردن در داخل بدان گونه باشد که روزنامه‌نگاران مدنی ادعا می‌کنند. هدف باید تسهیل مشاوره عقلانی در حوزه عمومی جهانی باشد.

اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری به معنای واکنش روزنامه‌نگاران قاطع به نگرشهای درون‌گرا مانند میهن‌پرستی افراطی است. ملاحظه این که چگونه در جریان جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ برخی سازمانهای خبری به سرعت تعهدات زمان صلح را مبنی بر ارائه گزارشهای مستقل و بیطرفانه کنار نهادند، ناراحت‌کننده است. جهان وطنی به معنای این است که وظیفه اخلاقی اولیه روزنامه‌نگاری جهانی در مواقع بروز منازعه و عدم قطعیت، میهن‌پرستی کورکورانه و یا عدم انتقاد نیست. وظیفه عمومی مستلزم پخش اخبار مستقل و داغ، تحقیقات، تحلیلها و دیدگاههای متعدد است.

نتیجه‌گیری

این مقاله رهیافتی قراردادگرا نسبت به ایجاد اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری اتخاذ کرد که به سه اصل و سه الزام منجر شده است. چارچوب من نقطه شروعی برای اندیشه است. تنها از طریق بحث آزاد و مستمر میان همه طرفه‌هاست که یک قرارداد جهانی مشروع برای روزنامه‌نگاری ظهور پیدا خواهد کرد.

در همین حال، ایجاد قوانین جهانی اخلاق روزنامه‌نگاری با چالشهای نظری و عملی روبه‌روست. اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری به چیزی بیش از معنویت‌گرایی رویایی درباره برادری انسانها و خیرخواهی جهانشمول منتهی خواهد شد. به لحاظ مفهومی، کارهایی را باید انجام داد. اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری باید به‌طور مفصل نشان دهد که چگونه اندیشه‌های آن به معنای تغییر در هنجارها و روشهاست:

– روزنامه‌نگاران دقیقاً چه چیزهایی را به شهروندان در سرزمینهای دور دست مدیون می‌باشند؟

– چگونه روزنامه‌نگاران جهانی دیدگاههای جانبدارانه و بیطرفانه خود را درهم می‌آمیزند؟

– چگونه روزنامه‌نگاران می‌توانند از ارزشهای جهانی حمایت کنند و در عین حال ارتباط‌دهندگانی

بی‌طرف باقی بمانند؟

موانع عملی کمتر مشکل آفرین نیستند. ایجاد یک چارچوب مفهومی تنها بخش نظری اصلاحات اخلاقی را تشکیل می‌دهد.^{۱۸} همچنین وظیفه عملی پیچیده و آهسته ایجاد نهادهای رسانه‌ای بهتر و روشهای جدید در پیش روست. تشویق تک تک روزنامه‌نگاران برای آن که اخلاقی عمل کنند بیهوده خواهد بود مگر این که پیشرفت اخلاقی فردی مورد حمایت جدی نهادی قرار داشته باشد که به تشویق ارزشهای جهانی در اتاق خبر پردازد. برخی روزنامه‌نگاران با آگاهی از این مشکلات ممکن است هواداران اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری را متهم کنند به عدم واقع‌بینی؛ با این تفکر که سازمانهای خبری، آموزش، تخصص و منابع اضافی مورد نیاز برای دستیابی به روزنامه‌نگاری جهانی با کیفیت بالا را تأمین می‌کنند. با توجه به این موانع، روزنامه‌نگاری جهانی باید میان آرمان‌گرایی ناشیانه و شکاکیت قدم بردارد. این وظیفه عالمان علم اخلاق است که رهبری را نشان دهند و اصول جدیدی را تدوین کنند. مسائل زیادی مطرح است، تنها در صورتی که روزنامه‌نگاران ارزشهای اخلاق جهانی روزنامه‌نگاری را بپذیرند. جهانی شدن به معنای چیزی بیش از توسعه ارتباطات وسیع و همسویی رسانه‌هاست. تنها در صورتی که روزنامه‌نگاران نقش اخلاقی خود را مورد بررسی مجدد قرار دهند به عنوان اطلاع‌رسانانی منتقد و نیرویی در خدمت انسانیت می‌توانند به بقای خود ادامه دهند. □

این مقاله ترجمه یکی از مقالات نشریه زیر است:

Journal of Mass Media Ethics Volume 20, 2005.

پی‌نوسیها:

۱. روحیه تجربه و ابداع که راهنمای این مقاله است به تجربه‌گرایی جان دیویی (۱۹۲۷) برمی‌گردد، «منطق روشی» که (صص ۲۰۲-۲۰۳) مخالف تفکر مطلق‌گراست. تجربه‌گرایی معتقد است که مفاهیم و اصول باید به عنوان ابزارهای تحقیق شکل گرفته و مورد آزمون قرار گیرد (صص ۲۰۲-۲۰۳). سیاستها و پیشنهادها باید به عنوان «فرضیات کاری و نه برنامه‌هایی که باید شدیداً از آنها تبعیت کرد» تلقی گردند (صص ۲۰۲-۲۰۳).
۲. هرچه درباره اخلاق روزنامه‌نگاری یا روزنامه‌نگاران بگویم باید در مورد مسئولیتهای سازمانهای خبری، صاحبان رسانه‌ها و رسانه‌های خبری در کل نیز مصداق داشته باشد.
۳. جان وی. پالویک (۲۰۰۱) تأثیر تکنولوژی جدید بر روزنامه‌نگاری را مورد بحث قرار داده است.
۴. برای مطالعه درباره اخلاق رسانه‌ای و اخلاق جهانی، ر ک به کریسچنز و تربیر (۱۹۹۷)؛ کوپر، کریسچنز، پلود و وایت (۱۹۸۹)؛ ویور (۱۹۹۸)؛ سایب (۲۰۰۲)؛ موریس و وایسبرد (۲۰۰۱)؛ بایتر (۱۹۸۵)؛ و برگر، برزوفسکی و پلینکا (۲۰۰۰).
۵. به‌خاطر تنوع، من از اصطلاحات "Morality"، "Ethics" به‌گونه‌ای قابل تعویض استفاده کرده‌ام. برای اختصار، من از جماعت هدف روزنامه‌نگاران به عنوان «خوانندگان» یا «مخاطبان» یاد می‌کنم. هر یک از این اصطلاحات به استفاده‌کنندگان از همه رسانه‌های خبری از خوانندگان روزنامه و مخاطبان اخبار تلویزیونی گرفته تا بازدیدکنندگان از سایتهای خبری اینترنتی اطلاق می‌گردد.
۶. اندیشه اخلاق به عنوان قرارداد اجتماعی به لحاظ تاریخی از هابز، لاک، روسو و کانت ناشی می‌شود (داروال، ۲۰۰۳). نظریه قرارداد دارای دو سنت اصلی است: قراردادی‌گرایی (Contractarianism) و قراردادی‌گرایی (Contractualism). قراردادی‌گرایان از هابز گرفته تا گوته (۱۹۸۶)

موضوعی کینه‌گرا اتخاذ می‌کنند. هدف آن توجه غیراخلاقی اخلاق است. مقررات و پیروی از مقررات به واسطه قراردادهایی توجیه می‌شود که منافع افراد را به پیش می‌برند. قرارداد گرایان کینه‌گرا نیستند. آنان به موافقتنامه‌های اخلاقی برای ویژگیهای اضافی مانند تمایل شرکت‌کنندگان به دستیابی به موافقتنامه‌های عادلانه برای همگان نیاز دارند.

۷. این اندیشه که مشروعیت نتایج تأملات اخلاقی - اصول، هنجارها و غیره به فرآیند ایجاد آنها بستگی دارد، مضمونی آشنا در نوشتار اخیر علمای علم اخلاق لیبرال است (هابرماس، ۱۹۹۰؛ راولز، ۱۹۹۲).

۸. این عبارت از کتاب «روشهای اخلاق» نوشته سیجوریک (داروال، ۲۰۰۳، ص ۲۱۵) نقل شده است. پاتنام (۲۰۰۲) تأکید کرد که عینیت را نباید معادل توصیف فرض کرد. احکام ارزشیابانه متعددی وجود دارند که صحیح یا توجیه‌پذیرند، اما توصیف محسوب نمی‌شوند. این احکام تحت کنترل عقلانی و تحت حاکمیت معیارهایی قرار دارند که با کارکردها و بافتهای خاص متناسب باشد (پاتنام، ۲۰۰۲، ص ۳۳).

۹. در مورد اندیشه منافع عمومی ر ک به «روزنامه‌نگار با فضیلت» نوشته کلایدمن و بوشان (۱۹۸۷، صص ۱۲۶-۳۸). منافع عمومی شامل ارائه اطلاعات دقیق و متوازن درباره اقتصاد، بهداشت، سیاست و دیگر حوزه‌های اساسی است. همچنین انتظار می‌رود مطبوعات به عنوان ناظر بر دیگر نهادها و ایجاد محفلی برای تبادل نظر عمل کنند.

۱۰. بسیاری از محققان، رسانه‌های خبری را بنا بر تأکیدشان بر یک یا چند کارکرد مطبوعات طبقه‌بندی می‌کنند. برای مثال، نظامهای مطبوعاتی بنا بر این که از چه میزان آزادی برخوردارند یا چه اندازه برمسئولیت اجتماعی تأکید می‌کنند (آلتشول، ۱۹۸۴؛ مریل، ۱۹۹۱؛ پیکارد، ۱۹۸۵؛ سیرت، پیترسون و شرام، ۱۹۵۶).

۱۱. برای مباحث اخیر در خصوص جست‌وجو برای ارزشهای رسانه‌ای جهانی، ر ک به بلک و بارنی (۲۰۰۲)، «جست‌وجوی اخلاق رسانه‌ای جهانی»، شماره ویژه مجله اخلاق رسانه‌های گروهی؛ و کالاهان (۲۰۰۳)، «چالشهای جدید جهانی شدن برای روزنامه‌نگاری».

۱۲. مسئله نزول اعتبار رسانه‌های نگرانی عمده و موضوع چندین پروژه انجمن دبیران خبر آمریکا بوده است. ر ک به مطالب آن درباره اعتبار در سایت آن به نشانی www.asne.org در کانادا، موضوع اعتبار رسانه‌های خبری در پانل اصلی اجلاس سالانه ۲۰۰۴ انجمن روزنامه‌های کانادا مطرح شد. ر ک به www.cna-acj.ca. اعتبار رسانه‌های خبری موضوع چندین بررسی افکار عمومی بوده است. برای مطالعه آخرین بررسی، ر ک به بررسی سراسری افکار عمومی در کانادا که از جانب کنسرسیوم پژوهشهای رسانه‌ای کانادا صورت گرفته است. به نشانی <http://cmrccrm.ca/English/index.html> مراجعه کنید.

۱۳. انورا اونیل (۲۰۰۲) گفت که «اعتماد برای حقوق بشر و دموکراسی اساسی است» (ص، ۲۷). نیکلاس لومان (۱۹۷۹) نوشت که «فقدان کامل اعتماد حتی مانع بیدار شدن در صبح خواهد شد» (ص ۴۰). در مورد این که چگونه به اعتماد دست یابیم، ر ک به اسلینر (۲۰۰۲).

۱۴. اعتبار فعال شامل نظامهایی برای پرداختن به شکایات عمومی از گزارشها مانند شوراها مطبوعات است. در مورد پاسخگویی، ر ک به برتراند (۲۰۰۰).

۱۵. میل (۱۸۵۹/۱۹۶۱، ص ۲۶۳) جلوگیری از زیان به دیگران را تنها اصلی می‌دانست که براساس آن دولت می‌تواند به گونه‌ای مشروع آزادی هر یک از شهروندان را محدود سازد.

۱۶. برای مطالعه بیشتر در مورد جهان وطنی کانت در اخلاق و سیاست ر ک به کار بنیادی متافیزیک اخلاق (۱۹۶۴/۱۷۸۵). متافیزیک اخلاق (۱۹۹۱/۱۷۹۷) و صلح دائمی (۱۷۹۵). درباره اخلاق کانت، ر ک به بارون (۱۹۹۷).

۱۷. نیجل (۱۹۹۱) چنین استدلال می‌کرد که وظیفه ایجاد جامعه‌ای که دیدگاههای جانبدارانه و بی‌طرفانه ما را درهم بیاورد، یکی از بزرگترین مسائل نظریه اخلاقی و سیاسی است. دفاع اخلاقی از جانبداریهای ما در کاتینگهام (۱۹۸۶) یافت می‌شود.

۱۸. برای مطالعه در زمینه رهیافت جهانی نسبت به اصلاحات رسانه‌ای، ر ک به برایتس، روز و میلوویچ و ورهالت (۲۰۰۲).

منابع:

- Altschull, J. H. (1984). Agents of Power. White Plains, NY: Longman.
Baron, M. (1997). Kantian ethics. In M. Baron, P. Pettit, & M. Slote (Eds.), Three methods of ethics (pp. 3-91). Oxford, England: Blackwell.
Beitz, C. (Ed.). (1985), International ethics, Princeton, NJ: Princeton University Press.
Bertrand, C.J. (2000). Media ethics and accountability Systems. New Brunswick, NJ: Transaction Publishers.

- Black, J., & Barney, R. (Eds.). (2002). Search for a global media ethic [Special issue]. *Journal of Mass Media Ethics*, 17 (4).
- Burger, R., Brezovszky, P., & Pelinka, P. (Eds.) (2000). *Global ethics: Illusion or reality?* Vienna, Austria: Czernin Verlag.
- Callahan, S. (2003). New challenges of globalization for Journalism, *Journal of Mass Media Ethics*, 18 (1), 3-15
- Carey, J.W. (2000). Some Personal notes on US journalism education. *Journalism: Theory, Practice and Criticism*, 1 (1), 14-24.
- Christians, C.G. (1989). Ethical theory in a global setting. In T.W. Cooper, C. Christians, F.F. Plude, & R.A. White (Eds.), *Communication ethics and global Change* (pp.3-19-). White Plains, Ny: Longman
- Christians, C. & Traber M. (Eds.). (1997). *Communication ethics and universal values*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Colish, M.L. (1985). *The stoic tradition from antiquity to the early middle ages*. Leiden, The Netherlands: E.J.Brill.
- Cooper, T.W., Christians, C., Plude, F.F., & White, R.A. (Eds.). (1989). *Communication ethics and global change*. White Plains, New York: Longman.
- Cottingham, J. (1986). Partiality, favouritism and morality. *The Philosophical Quarterly*, 36 (144), 357-373.
- Darwall, S. (Ed.). (2003). *Contractarianism/Contractualism*. Oxford, England: Blackwell.
- Dewey, J. (1927). *The Public and its problems*. New York: Henry Holt.
- Gauthier, D. (1986). *Morals by agreement*. New York: Oxford University Press.
- Goodman, E. (1995). *The Origins of the Western legal tradition*. Sydney, Australia: Federation Press.
- Habermas, J. (1990). *Moral Consciousness and Communicative action* (C. Lenhardt & S. Nicholsen, Trans). Cambridge, MA: MIT Press.
- Inwood, B. (1985). *Ethics and human action in early stoicism*. Oxford, England: Clarendon.
- Kant, I. (1917). *Perpetual peace* (M. Campbell Smith, Trans.). London: George Allen and Unwin. (Original work published 1795)
- Kant, I. (1964). *Groundwork of the metaphysics of morals* (H.J. Paton, Trans.). New York: Harper & Row.
- Kant, I. (1991). *The metaphysics of morals* (M. Gregor, Trans.). Cambridge, England: Cambridge University Press. (Original Work Published 1797)
- Klaidman, S., & Beauchamp, T. (1987). *The Virtuous Journalist*. New York: Oxford University Press.
- Luhmann, N. (1979). *Trust and Power*. New York: Wiley.
- McLuhan, M. (1965). *Understanding media: The extensions of man*. New York: McGraw-Hill.
- Merrill, J.C. (1991). *Global Journalism* (2 nd ed.). New York: Longman.
- Mill, J.S. (1961). On liberty. In M. Lerner (Ed.), *Essential works of John Stuart Mill* (pp. 255-360). New York: Bantam. (Original Work Published 1859)
- Morris, N., & Waisbord, S. (Eds.). (2001). *Media and globalization: Why the state matters*. New York: Rowan and Littlefield.
- Nagel, T. (1991). *Equality and Partiality*. New York: Oxford University Press
- Nussbaum, M.C (1997) *cultivating humanity: A classical defense of reform in liberal education*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- O'Neill, O. (2002). *A question of trust*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Pavlik, J.V. (2001). *Journalism and the new media*. New York: Columbia University Press.
- Picard, R.G. (1985). *The press and the decline of democracy*. Westport, CT: Greenwood.

- Price, M., Rozumilowicz, B., & Verhulst, S. (Eds.). (2002). Media reform: Democratizing the media, democratizing the state. London: Routledge.
- Putnam, H. (2002). The collapse of the fact/value dichotomy and other essays. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Rawls, J. (1992). A theory of justice. New York: Oxford University Press. (Original work published 1972)
- Rawls, J. (1993). Political liberalism. New York: Columbia University Press.
- Rawls, J. (2002). The law of peoples. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Rawls, J. (2003). Kantian constructivism in moral theory. In S. Darwall (Ed.), Contractarianism/contractualism (pp.190-218). Oxford, England: Blackwell. (Reprinted from Journal of Philosophy, 77 (9), 515-572)
- Scanlon, T.M. (1998). What we owe to each other. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Seib, P. (2002). The global journalist: News and conscience in a world of conflict. Lanham, MD: Rowan and Littlefield.
- Siebert, F.S., Peterson, T., & Schramm, W. (1956). Four theories of the press. Urbana: University of Illinois Press.
- Uslaner, E.M. (2002). The moral foundations of trust. Cambridge, MA: Cambridge University Press.
- Uslaner, E.M. (2002). The moral foundations of trust. Cambridge, MA: Cambridge University Press.
- Weaver, D.H. (Ed.). (1998). The global Journalist. Cresskill, NJ: Hampton Press.

